

هیلده هایین

معماری و مدرنیته

www.ketab.ir

ترجمه احسان حلیف



عنوان و نام پدیدآور	:	معماری و مدیریت/هیله هاین : ترجمه احسان حنیف.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۷۸-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
رده بندی کنگره	:	NA۶۸۰
رده بندی دیویی	:	۷۲۴/۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۶۲۳۶۹۷



هیله هاین

معماری و مدیریت

ترجمه احسان حنیف

مدیر تولید	آرش حیدریان
طراحی جلد	آرش حیدریان
چاپ اول	۱۴۰۰
لیتوگرافی / چاپ	ولیعصر
شمارگان	۵۰۰ نسخه
قیمت	۹۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۸۵-۷۸-۷

فروشگاه و مرکز بخش کتاب

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۶
کتاب فکر نو ۶۶۴۱۶۱۰۰

فروشگاه اینترنتی فکر نو؛ خریدی کاملاً متفاوت را تجربه کنید

 Fekrenobok.ir
  Fekrenobok
  Fekreno

فهرست

مقدمه..... ۹

II فصل اول: معماری در رویارویی با مدرنیته_ ۱۹

تعریف مدرنیته..... ۱۹
 سکونت در افق دور محو می شود..... ۳۱
 تنگناهای معماری..... ۳۸

II فصل دوم: ساخت جنبش مدرن_ ۴۹

آوانگاردی معماری؟..... ۴۹
 زیگفرید گیدین: دیدگاهی برنامه‌ای نسبت به مدرنیته..... ۵۶
 تجارب و دیدگاه نو..... ۵۷
 فضا، زمان و معماری: کانون معماری مدرن..... ۷۰
 از آوانگارد بودن تا مقدس و کارایی..... ۷۵
 «این فرانکفورت نو»: جستجویی به دنبال یک فرامغف یکپارچه متحد..... ۸۰
 ایده‌ها و اهداف..... ۸۲
 دیالکتیک میان امر آوانگارد و شهر..... ۹۱
 «این فرانکفورت نو» به مثابه جنبشی آوانگارد..... ۱۱۲

II فصل سوم: بازتاب‌هایی در یک آینه_ ۱۲۱

تجربه گسست..... ۱۲۱
 آدولف لوس: استمرار گسیخته سنت..... ۱۲۶
 سکونت، فرهنگ و مدرنیته..... ۱۲۸
 معماری بر مبنای تفاوت..... ۱۳۵
 تداوم ناپیوسته..... ۱۵۰
 والتر بنیامین: رؤیای یک جامعه بدون طبقه..... ۱۵۲
 میمسیس و تجربه..... ۱۵۶
 به تاریخ خلاف جریان غالب نگاه کنیم..... ۱۶۲
 معماری یا سیماسنجی یک عصر..... ۱۶۶
 سکونت، شفافیت، بیرونی بودن..... ۱۷۳
 معماری، مدرنیته و سکونت..... ۱۸۷
 ساختمان سازی بر فضای تهی: نقد ارنست بلوخ بر معماری مدرن..... ۱۹۰

فهرست

۱۹۱.....	هایمات به عنوان یک طبقه بندی آرمان شهری
۱۹۵.....	دیوارهای قابل شستشو و خانه های کشتی سان
۲۰۲.....	مدرنیسم به مثابه نقطه گسستی در درون سیستم کاپیتالیستی
۲۰۹.....	مکتب ونیز یا بازشناسی «تفکر منفی»
۲۱۰.....	معماری و آرمان شهر
۲۲۰.....	کلانشهر و تفکر منفی
۲۲۸.....	سکونت و «مکان های» مدرنیته
۲۳۲.....	تاریخ به مثابه نقد ایدئولوژی

// فصل چهارم: معماری به مثابه نقد مدرنیته_ ۲۴۱

۲۴۱.....	آوانگارد در برابر مدرنیسم
۲۴۶.....	بابل نو: تعارضات آرمان شهر
۲۴۸.....	شهرسازی متعادل و نقد عملکردگرایی
۲۵۸.....	بابل نو: آنتی تر جاعه دروغ ها
۲۷۲.....	تراژدی آرمان شهر
۲۷۶.....	هیچ راه خروجی نیست: «نظریه زیبایی شناسی» آدورنو
۲۷۸.....	تجمیع ماهیت های «نا-اینهمان»
۲۸۶.....	مدرنیته به مثابه «آنفلور» دیالکتیک روشنگری
۲۹۲.....	میمسیس و منفی بودن
۳۰۱.....	شخصیت دوگانه هنر
۳۰۹.....	میمسیس در معماری
۳۱۰.....	میمسیس در نظریه معاصر
۳۱۷.....	مسئله نقد
۳۲۲.....	بین خطوط
۳۳۲.....	یک برج بابل

// پایان سخن: سکونت، میمسیس، فرهنگ_ ۳۴۳

۳۵۲.....	نمایه
----------	-------

مقدمه

این کتاب حاصل درگیری‌های ذهنی من در جریان مطالعه ایده‌های تجسم‌یافته در معماری مدرن است. در این میان ذهن من بیش از همه مشغول این مسئله بوده که چرا تعریف به‌کاررفته از مدرنیته در معماری مدرن، به نظر به‌اندازه کافی قابل قبول نمی‌آید. به‌عنوان فردی که آموزش‌ها و مطالعاتش در حوزه نظریه انتقادی متمرکز بر آثار کسانی چون والتر بنیامین^۱ و تئودور آدورنو^۲ بوده، باور داشتم که مفهوم مدرنیته مطرح‌شده در کار

۱- Walter Benjamin: فیلسوف آلمانی و از مهم‌ترین متفکران حوزه مدرنیته و مدرنیسم که در جریان به حکومت رسیدن نازی‌ها از آلمان فرار کرد. او قصد داشت به سمت ایالات متحده بگریزد، اما ویزای این کشور خیلی دیر و در شرایطی برای او صادر شد که دیگر به کارش نمی‌آمد. بنیامین نهایتاً وقتی دید راه فراری ندارد، در مرز اسپانیا و فرانسه خودکشی کرد یا به گفته برخی توسط گشتاپو به قتل رسید. برخی او را از اعضای مکتب فرانکفورت می‌دانند، درحالی‌که او در بسیاری موارد، با تفکرات این مکتب هم‌نظر نبود. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به «خیابان یک‌طرفه» و «پروژه پاساژها» اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب بنیامین برای معماران، نشر فکر نو.

۲- Theodor Adorno: فیلسوف، موسیقی‌دان و متفکر نومارکسیست آلمانی و از اعضای مکتب فرانکفورت بود. او تفکر انتقادی رادیکالی داشت و علاوه بر کتاب «دیالکتیک روشنگری» کتاب «نظریه زیبایی‌شناسی» را نیز باید از شاهکارهای او دانست. (م.)

زیگفرید گیدین^۱ یا در «این فرانکفورت نو»^۲ به نظر نسبتاً ساده لوحانه بوده و اعتبار لازم را ندارد. فکر من درگیر فاصله میان این دو جریان شده بود؛ از یک طرف گفتمان جنبش مدرن و از طرف دیگر نظریه های فرهنگی حول مدرنیته که در آراء کسانی چون اعضاء «مکتب فرانکفورت»^۳ قابل پیگیری بود. مثلاً اگر کسی بداند که ارنست می^۴ (معمار پشت «این فرانکفورت نو») و تئودور آدورنو هر دو در یک شهر و در یک دوره زمانی کار می کرده اند (فرانکفورت اواخر دهه ۱۹۲۰) باید به نظرش نسبتاً عجیب باشد که چرا هیچ ردی از هیچ گونه تبادل فکری میان کار و تفکر آنها وجود ندارد.

جستجوی بیشتر در این موضوع باعث شد آن درگیری ذهنی من با این دلیل برطرف شود که فاصله به وجود آمده، خود نتیجه طبیعی غیاب چنین مبادله ای بوده است. با این وجود، همان طور که از مطالب ارائه شده در این کتاب می توان دریافت، اشتیاق من نسبت به مسائل نظری مرتبط، همچنان به جای خود باقی ماند. به نظر من واقعاً جالب توجه و خیره کننده است وقتی می بینیم چگونه در پاسخ به یک سؤال، چنین حجمی از مواضع و اگر بسط یافته اند: معماری قرار است چه باشد و چطور باید به شرایط اجتماعی برآمده از مدرنیته مرتبط شود؟ هدف من در این کتاب تشریح و پالایش این مواضع متعدد است. همچنین می خواهم نشان دهم این مواضع دقیقاً در چه مواردی و به چه ترتیبی با یکدیگر تفاوت دارند. پس این کتاب به بحث در مورد رابطه میان مدرنیته، مسکن و معماری می پردازد. مدرنیته در اینجا در ارجاع به شرایط زندگی به کار می رود که به واسطه فرایندهای اجتماعی-اقتصادی مبتنی بر مدرنیزاسیون بر انسان ها تحمیل شده است. تجربه مدرنیته شامل گسستی بنیادی از سنت بوده و تأثیری عمیق بر روش های زندگی و عادات روزمره [انسان] داشته است. اثرات این گسست را باید چندجانبه دانست. این اثرات در مدرنیسم بازتاب

1- Sigfried Giedion

۲- Das Neue Frankfurt: اشاره ای است به مجموعه فعالیت هایی که معمار و شهرساز آلمانی، ارنست می طی آن سال ها در فرانکفورت به انجام رساند. جلوتر به شکل دقیق تری در موردشان صحبت خواهد شد؛ اما به طور خلاصه باید گفت عمده فعالیت های آنها در حوزه خانه سازی های عمومی در جریان بود. آنان تفکرات خود را در مجله ای به همین نام نشر می دادند و به دنبال جهانی سازی تفکرشان نیز بودند. (م.)

۳- Frankfurt School یا به طور کامل تر Frankfurt School of Critical Theory مکتبی بود که هورکهایمر آن را در قالب یک موسسه پژوهشی و در دهه ۱۹۳۰ در فرانکفورت تأسیس کرد. از مشهورترین اعضاء این موسسه می توان به تئودور آدورنو، اریک فروم و هبریت مارکوزه اشاره کرد. با روی کار آمدن نازی ها در کار این موسسه اخلاص ایجاد شد و تا دهه ۱۹۴۰ تقریباً بیشتر اعضا آن به امریکا مهاجرت کردند. رویکرد این موسسه کاملاً مارکسیستی بود. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب «نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی» به تألیف حسینعلی نوذری که نشر آگه آن را منتشر ساخته است. (م.)

4- Ernst May

یافته‌اند، یعنی در بدنه جنبش‌ها و ایده‌های هنری و فکری که با فرآیند مدرنیزاسیون و با تجربه مدرنیته سروکار دارند.^۱

طیف گسترده‌ای از مؤلفین و منتقدین مختلف، هر یک درکی متفاوت از مدرنیته ارائه داده‌اند. می‌توان مدرنیته را در چارچوب تقابل میان تمدن کاپیتالیستی و همتای فرهنگی مدرنیستی‌اش تعریف کرده‌اند. با این حال رابطه میان این دو قطب به طرق متفاوتی در نظر آورده می‌شود: برخی آن‌ها را ماهیت‌هایی می‌بینند که اصلاً به هیچ عنوان هیچ ارتباطی با هم ندارند؛ برای برخی دیگر رابطه دیالکتیکی میان آن دو وجود دارد که بر اساس مدرنیسم خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه، مستقیم یا غیرمستقیم، مثبت یا منفی، نتایج توسعه کاپیتالیستی را بازتاب می‌دهد. وجه تمایزها و شاخص‌های بیشتری هم می‌توان در این زمینه مطرح کرد: می‌توان رویکردی آوانگارد را مشخص کرد که رو به سوی ادغام مجدد هنر و زندگی دارد؛ می‌توان علاوه بر این‌ها مفاهیم «برنامه‌ای»^۲ و «گذرای»^۳ مدرنیته و مدرنیسم‌های «شبانی»^۴ و «پادشعانی»^۵ را نیز از هم تمیز داد.

درواقع، در حوزه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و «نظریه فرهنگی»^۶، این مسائل به شکل گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته‌اند. نظریه‌های انتقادی همچون نظریات مکتب فرانکفورت موجب تولد گفتمان پیچیده و پخته‌ای در مورد مدرنیته و مدرنیسم شده است. از طرف دیگر اما تاریخ و نظریه معماری قرن بیستم نسبتاً مستقل از این سنت غنی بسط پیدا کرده است؛ حتی بسیاری از توسعه‌های تازه‌تر معماری هم بدون چندان ملاحظه‌ای نسبت به مواضع انتقادی چون مواضع مکتب فرانکفورت راه خود را در پیش گرفته‌اند. این کتاب تلاش دارد چنین شکافی را پوشش دهد. هدف من این است که ریسمان این دو گفتمان فکری را به یکدیگر

۱- من از تعابیر مدرنیته، مدرنیزاسیون و مدرنیسم در چارچوب تعاریف این کتاب استفاده می‌کنم: Marshall Berman, *All That Is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity* (1982; London: Verso, 1985).

۲- Programmatic: بر اساس چنین نگاهی، مدرنیته در چارچوب یک برنامه تعریف شده و این برنامه از پیش مشخص است، چیز گذرا و فی‌البداهه‌ای در آن وجود ندارد. (م.)

۳- Transitory: منظور مفاهیمی است که شکل پایداری نداشته و درواقع در مقابل برنامه‌ای بودن مدرنیته قرار می‌گیرند. این‌ها از پیش تعیین شده نیستند و قابلیت تغییر دارند. (م.)

۴- Pastoral: شبانی بودن یا پاستورال بیشتر در حوزه ادبیات به کار می‌رود و به سنت فکری اشاره می‌کند که به دنبال ستایش آرامش و آسایش زندگی روستایی و طبیعت است. طرفداران این تفکر این زندگی را در مقابل زندگی پیچیده شهری قرار داده و تواضع در مقابل طبیعت را اصل اساسی این آرامش می‌دانند. از شاعرانی که پیرو این تفکر بودند می‌توان به جان میلتون و ویرژیل اشاره کرد. در ادامه با بازشدن بحث و ذکر نمونه‌های مختلف، منظور دقیق‌تر مؤلف از این عبارت مشخص می‌شود. (م.)

نزدیک کنم. از یک طرف از نگاه نظریه انتقادی به بحث در مورد معماری می‌پردازم و از طرف دیگر با مرتبط ساختن مواضع درون حوزه نظریه انتقادی به معماری، آن‌ها را تعدیل می‌بخشم.^۱ این کتاب قصد دارد در دو سطح عمل کند. در سطح نخست، شامل بحثی نظری در مورد رابطه میان معماری، مدرنیته و مسکن باشد. در سرتاسر کتاب خط بحثی بسطیافته که ساختار اساسی‌اش بر بنیان یک دیالکتیک سه‌گانه شکل گرفته است. بخش اول، یعنی «معماری در مواجهه با مدرنیته» سؤال اصلی را مطرح می‌کند: معماری چگونه به مدرنیته مرتبط می‌شود؟ بخش دوم، یعنی «ساخت جنبش مدرن»، به ارائه «تز»^۲ می‌پردازد: اولین پاسخ به این مسئله در قالبی که توسط مهم‌ترین بازنمودهای جنبش مدرن ارائه شده است. در بخش سوم، یعنی «بازتاب‌هایی در آیین»، هم می‌توان «آنتی‌تز»^۳ این تز را پیدا کرد. این بخش موضعی را به بحث می‌گذارد که بیرون از جنبش مدرن و در تقابل با آن بسط یافته‌اند. بخش چهارم، یعنی «معماری به‌مثابه نقدی بر مدرنیته» را می‌توان به عنوان سنتز (ترکیب این دو تز) در نظر گرفت که در آن تجدیدنظر در مورد تز و آنتی‌تز در ترکیب با مطالبی دیگر ما را به پاسخی متعادل‌تر در مورد مسئله مطرح‌شده در آغاز می‌برد. باین حال، سنتز در اینجا به هیچ وجه قصد رسیدن به چشم‌اندازی کاملاً یکپارچه و قطعی از رابطه میان معماری و مدرنیته ندارد، بلکه در عوض به دنبال صورت‌بندی مقدمه‌ای بر تعبیری پیچیده و چندلایه از این رابطه درهم‌تنیده است.

در سطح دوم نیز این کتاب قرار است برای دانشجویان معماری مقدمه‌ای بر گفتمان انتقادی باشد. زیربخش‌های بنیامین، «بلوخ»^۴ و آدورنو را می‌توان جدا از سایر بخش‌ها مطالعه کرد. امیدوارم زیربخش «مکتب ونیز»^۵ هم بتواند در تسهیل درک متون دیگری این نقش را بازی کند که به دشواری شهره هستند.

۱- من از تعبیر «نظریه انتقادی» در چارچوب چندان سفت‌وسختی استفاده نمی‌کنم. این تعبیر به‌درستی به آثار نویسندگان «مکتب فرانکفورت» اشاره دارد، یعنی افرادی چون هورکهایمر، آدورنو، لوونتال (Lowenthal)، پولاک (Pollock) یا مارکوزه (Marcuse). من از این تعبیر در چارچوب نظریه‌پردازان مرتبطی با پیش‌زمینه‌های متفاوت و ازجمله افرادی چون والتر بنیامین، ارنست بلوخ یا مانفردو تافوری استفاده می‌کنم.

۲- سه‌گانه تز، آنتی‌تز و سنتز را بیشتر در ارتباط با تفکر هگل به کار می‌برند که درواقع اشاره به دیالکتیک میان ایده‌های مختلف دارد. تز تفکر و ایده اولیه است که آنتی‌تز سعی می‌کند نقطه مقابلش را نشان دهد و درنهایت این دو با دیالکتیک و ترکیب با هم به سنتز ختم می‌شوند. (م.)

3- Antithesis

۴- Ernst Bloch: متفکر مارکسیست قرن نوزدهم و بیستم بود و به شدن پایبند به فلسفه امید. برخی آثار او شامل «روح آرمانشهر»، «سوزه/ایزه» و «اصل امید» می‌شوند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به متن «ارنست بلوخ: فیلسوف امید» از محمدرضا نیکفر که در مجله «نگاه نو» منتشر شده است. (م.)

۵- Venice School: در معماری به گروهی از تاریخ‌نگاران ونیزی اشاره دارد که نگاهشان را باید در چارچوب نگاه چپ تعریف کرد. در بخش مربوطه با باز شدن بحث، بیشتر به جزئیات فکری آن‌ها پرداخته خواهد شد، اما باید دانست کار مانفردو تافوری و ماسیمو کاپیاری در این مکتب جای می‌گیرد. (م.)